



پلیس جان زن جوان را نجات داد

مردی قصد داشت با سلاح شکاری نامزدش را به قتل برساند اما مأموران پلیس مانع شده و جان زن جوان را نجات دادند. مأموران کلانتری ۲۱ محمودآباد قزوین وقتی از یک درگیری خانوادگی با خبر شدند راهی محل حادثه شده و با مردی مسلح روبه‌رو شدند اما پیش از آنکه او دستش به ماشه برود دستگیرش کردند.

کوتاه‌تر از گزارش

داستان خیالی قاتلی که می گفت بی گناه است

مردی که در یک پرونده قتل سعی داشت با داستان سرایی پلیس را گمراه کند و برادرش را به‌عنوان قاتل معرفی کند، در عالم مستی اسرار قتل را فاش کرد.

به گزارش همشهری، دوازدهم مردادماه با پیدا شدن جسد مردی در خانه‌ای مخروبه حوالی میدان بهارستان تحقیقات پلیس در این پرونده شروع شد. خانه متروکه پاتوق معتادان و خلافکاران بود و در حوالی آنجا مأموران مردی را دستگیر کردند که در حال پرس و جو درباره حادثه بود. این مرد که سعید نام دارد در حقیقت عامل جنایت بود که برای سرکشی به محل قتل برگشته بود. او اما در بازجویی‌ها مدعی شد که قاتل، برادرش است که با مقتول بر سر یک سکه قدیمی درگیر شده و جان وی را گرفته است. سعید گفت: مقتول یک سکه قدیمی در خانه متروکه پیدا کرده بسود که تصور می کرد عتیقه و قیمتی است. برادرم عتیقه فروشی می‌شناخت که سکه را نزد وی برد اما معلوم شد قیمتی ندارد و بی ارزش است. مقتول تصور می کرد برادرم سر او کلاه گذاشته است و بر سر این موضوع با هم درگیر شدند که برادرم جان وی را گرفت و فرار کرد.

به‌دنبال اظهارات این مرد، برادر او بازداشت شد اما در بازجویی‌ها قتل را انکار کرد و گفت بیگناه است. وی ادامه داد: برادرم (سعید) خودش قتل را مرتکب شده و برای فرار از مجازات مرا به‌عنوان قاتل معرفی کرده است. زمانی که من به محل حادثه رسیدم، مقتول نفس نمی کشید و برادرم مرا تهدید کرد که اگر قتل را گردن نگیرم، مرا می کشد. من هم از ترس، آنجا را ترک کردم تا اینکه دستگیر شدم. کارآگاهان در گام بعدی به سراغ دوستان مظنون اصلی (سعید) رفتند و آنها گفتند که شب حادثه سعید درحالی که درگذشت زخمی شده بود، وارد پاتوق شده و در عالم مستی تعریف کرده که در خانه متروکه فردی را با چاقو زده است.

با کنار هم قرار دادن تکه‌های پازل مشخص شد که کسی جز سعید قاتل نیست که سعی دارد برادرش را گناهکار نشان بدهد. بازجویی از او ادامه داشت تا اینکه او دیروز قتل را گردن گرفت و گفت: مقتول کارتن خواب بود و اعتیاد به مواد مخدر داشت. او چند روز قبل زمانی که من در پاتوق بودم، گوشی تلفن همراهم را سرقت کرد. چند باری به او گفتم که گوشی را برگرداند اما زیر بار نرفت. وی گفت: روز حادثه با مقتول دعوایم شد و به او چند ضربه چاقو زدم اما زمانی که دستگیر شدم تصمیم گرفتم قتل را بر گردن برادرم بیندازم اما یاد نبود که در عالم مستی و در پاتوق دوستانم اسرار قتل را فاش کرده‌ام. به دستور قاضی محمد حسین زارعی باز پرس دادسرای جنایی تهران، مهمت برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

خارجی

پاتوق قاتلان سریالی

پلیس هند با حمله به آپارتمانی در شهر یلانکا ۳مرد را دستگیر کرد که هر کدام از آنها به اتهام قتل‌های سریالی تحت تعقیب بودند. به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های هند، هفته گذشته مأموران پلیس هند در جریان مخفی شدن چند قاتل سریالی که از سر یلانکا به هند گریخته بودند قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان می داد که هر یک از افراد به‌صورت جداگانه سه جرم ارتکاب قتل‌هایی در سر یلانکا تحت تعقیب پلیس بوده‌اند که با هویت جعلی و به‌صورت غیرقانونی به هند گریخته و در آپارتمانی در شهر یلانکا مخفی شده‌اند. مأموران پلیس با یورش به این آپارتمان هر ۳ مرد را که همگی ۳۶ساله هستند دستگیر کرد و معلوم شد مردی به نام جای پرامش با تهیه آپارتمانی در یلانکا، آنها را مخفی کرده بود تا در فرصتی مناسب به کشوری دیگر قاچاق کند. به‌گفته پلیس هند، یکی از افراد دستگیر شده به‌اتهام ۵قتل، یکی به‌اتهام ۴قتل و دیگری به‌اتهام ۳قتل در سر یلانکا تحت تعقیب پلیس بودند که از حدود ۱۵روز قبل به‌صورت غیرقانونی از سر یلانکا خارج شده و خود را به هند رسانده و در این آپارتمان مخفی شده بودند. به‌گفته پلیس هند این افراد علاوه بر قتل دارای سوابق مجرمانه دیگری هم هستند و پس از تکمیل تحقیقات به پلیس سر یلانکا تحویل داده خواهند شد.



گزارش

الیه فراوانی
روزنامه‌نگار

دختر جوان با همدستی دوست اینستاگرامی خود نقشه دستبرد مسلحانه کشید تا هزینه تحصیل و زندگی در بارسلون اسپانیا را فراهم کند اما پس از نخستین سرقت با زریکی دختر مال‌باخته، دستش روشد.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای مرداد امسال بود که کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در جریان دستبرد مسلحانه به خانه خانم دکتري در شمال غرب پایتخت قرار گرفتند. شاکي مي‌گفت به‌همراه دخترش در خانه سرگرم تماشای تلویزیون بوده‌اند که دختر جوانی زنگ خانه‌شان را زده و مدعی شده که حلیم نذری آورده است. اما پس از باز شدن در، این دختر که ماسک به‌صورت زده بود به همراه ۳مرد نقابدار وارد خانه شده و با تهدید اسلحه دست و پای خانم دکتر و دخترش را بستند و آنها را مجبور کردند که رمز گاوصندوق را در اختیارشان قرار دهند. پس از آن نیز با سرقت ۵هلیارده تومان دلار، طلا و سکه متواری شدند.

شروع تحقیقات

با شکایت خانم دکتر، تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای شناسایی و دستگیری و زندان شروع شد. شاکي و دخترش نتوانسته بودند چهره سارقان را ببینند و حتی چهره دختر جوانی که کاسه حلیم در دست داشت هم قابل شناسایی نبود.

مأموران در ادامه سه بازیابی تصاویر دوربین‌های مدار بسته برداشتند اما از این طریق هم سرخني به‌دست نیامد و با این



حال تحقیقات زیر نظر قاضی اکبری، باز پرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت ادامه یافت تا اینکه سرخني از زندان مسلح به‌دست آوردند.

دختر زیرک

چند روز از ماجرای سرقت گذشته و هنوز ردی از زندان به‌دست نیامده بود. در این میان دختر جوان شاکي که روز سرقت در خانه بود، اطمینان داشت چشم و ابروی زنی که کاسه حلیم در دست داشت برایش آشناست. او که می دانست در نزدیکی خانه آنها یک مغازه حلیم فروشی وجود دارد، راهی آنجا شد. طرف‌هایی که در این مغازه استفاده می‌شد طرح خاصی داشت و درست همان طرحی بود که روی ظرف حلیم سارقان بود. دختر جوان به سراغ صاحب حلیم‌فروشی رفت و از او خواست تا فیلم دوربین مغازه را در اختیارش قرار دهد. او پس از دیدن تصاویر مشتریانی که شب سرقت به حلیم‌فروشی رفته بودند، چهره یکی از آنها را شناخت؛

زنی به نام افسانه که بدون ماسک وارد حلیم‌فروشی شده و یک ظرف حلیم خریده بود. افسانه حدود یک سال قبل برای انجام کارهای نظافت در خانه شاکي مراجعه کرده بود. دختر جوان که حدس می‌زد او در پشت پرده سرقت از خانه آنها بوده، ماجرا را به کارآگاهان اطلاع داد و به این ترتیب افسانه به‌عنوان مظنون دستگیر شد. او در بازجویی‌ها به سرقت مسلحانه با همدستی ۳مرد نقابدار اعتراف کرد و همدستانش را لو داد و به این ترتیب بقیه اعضای باند نیز دستگیر شدند. متهمان پس از انتقال به اداره آگاهی به سرقت مسلحانه اعتراف کردند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

دستگیری ۲ شرور مسلح در عملیات ویژه

مأموران پلیس زاهدان در اقدامی غافلگیرانه ۲ شرور مسلح را در مخفیگاه‌شان دستگیر کردند. به‌گفته سردار دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان شرارت‌های این دو شرور موجب ناامنی در زاهدان و بروز ناراضیاتی شهروندان شده بود که سرانجام هر دو نفر در عملیاتی ویژه دستگیر شدند.



دختر جوان طرح نقشه سرقت مسلحانه از خانه خانم دکتر بود

سرقت مسلحانه در رویای سفر به بارسلون

روای زندگی در بارسلون

دختر جوان ۳۰ساله است و می‌گوید که قصد داشته برای تحصیل و کار به بارسلون اسپانیا برود و برای همین نقشه سرقت کشیده است.

هدف از مهاجرت چه بود؟

می‌خواستیم در یکی از کشورهای اروپایی ادامه تحصیل بدهم اما پول رفتن را نداشتیم. من خیلی باهوشم. خیلی. شمال‌الان یک مسئله ریاضی به من بده و ببین چطور حلش می‌کنم. خودم فکر می‌کنم یک نابغه‌ام که اگر به خاطر فقر خانواده‌ام، درس را رها نمی‌کردم الان قطعاً با بورس سه تحصیلی می‌گرفتم یا در کنکور از نفرات برتر می‌شدم یا مثلاً در المپیاد ریاضی مقام می‌آوردم. می‌خواستیم مهاجرت کنیم تا شاید در آنجا زندگی‌ام دگرگون شود اما خوب نبود.

چه شد که فکر سرقت به سرقت زد؟

من سسال‌ها پیش ترک تحصیل کردم. پدرم یک مجرم بود که تمام زندگی‌اش پشت میله‌های زندان گذشت. مادرم بنده خدا خیلی عذاب کشید و ناچار شد از پدرم طلاق بگیرد تا آبروش حفظ شود. اما خوب عمرش کوتاه بود. فق د کرد و مرد. از پدرم هم بی خبر بودم تا اینکه شنیدیم او هم به‌خاطر مصرف مواد اوردوز کرده و فوت شده است. من باید خرج خواهر و برادر کوچک‌ترم را هم می‌دادم. از بیجکی‌کاری می‌کردم، آگاهی گرفته تا فروش اداسم و فال بزگرت که شدم. رقم‌خانه‌های مردم کار کردم. در خانه مال‌باخته هم مدتی بود کار می‌کردم وقتی دیدم وضع مالی خیلی خوبی دارد نقشه سرقت کشیدم.

با همدستان‌ها چطور آشنا شدید؟

یکی از آنها به نام سسروش بسرمورد علاقه‌ام است. مدتی قبل وقتی بیج او در اینستاگرام را دیدم به وی پیام دادم. او درباره مهاجرت و زندگی در کشور‌های مختلف نوشته بود. بعد با هم قرار گذاشتیم و به او گفتم که آرزویم این است که مهاجرت کنم. رفتم رفته به هم علاقه‌مند شدیم و قرار از دواج گذاشتیم. ابتدا می‌خواستیم غیرقانونی مهاجرت کنیم اما بعد با سسروش تصمیم گرفتیم قانونی اقدام کنیم اما خوب نیاز به پول داشتیم. همین شد که تصمیم به سرقت گرفتیم. این هم سرقت از خانه‌هایی که من در آن کار می‌کردم. اگر دستگیر نمی‌شدیم می‌خواستیم به خانه‌های دیگر دستبرد بزنیم.



تقویم حوادث

وقتی سارقان منزل و انت‌شان را جا گذاشتند

وانت بچی، انده در محل سرقت منجر به دستگیری زردان شد

سارقان حرفه‌ای وقتی برای سرقت به خانه‌ای در شرق تهران رفته بودند صاحب خانه را در آنجا دیدند و هنگام فرار وانتی را که برای جابه‌جایی اموال مسروقه با خود برده بودند جاگذاشته و از آنجا فرار کردند. اما همین وانت باعث دستگیری‌شان شد.

این خبری است که روز ۴شهری‌ماه سال ۶۸، یعنی درست ۳۴سال پیش در چنین روزی در روزنامه کیهان منتشر شد و خبرنگار این روزنامه در گزارشی هیجانی به روایت سرقت نافرجام و دستگیری تبهکاران پرداخت در این گزارش آمده است: «آسارک نیمه‌های شب با ورود به خانه‌ای در فلکه چهارم تهرانپارس قصد سرقت از آنجا را داشتند که هنگام سرقت ساکنان خانه از خواب بیدار و با سارقان درگیر شدند. در این بین سارقان ضمن ضرب و شتم اهالی خانه با جا گذاشتن وانت پیکانی که با آن قصد سرقت اموال منزل را داشتند، گریختند.»

آنطور که در این گزارش آمده همین پیکان وانت به سرخني برای دستگیری اعضای باند سرقت تبدیل شد: «کارآگاهان آگاهی شرق تهران با انتقال اتومبیل به آگاهی، مالک آن به نام صفر را احضار کردند. او در جریان تحقیقات هر گونه رابطه با سارقان را منکر شده و گفت که اتومبیلیش به سرقت رفته است. با این حال شاکي با دیدن این مرد او را شناسایی کرد و گفت که او هنگام سرقت از خانه حضور داشته است.»

نکته جالب در این پرونده راه‌اندازی استعمال به شیوه کامپیوتری در آن سال‌هاست. در این گزارش آمده: «سایفه نامبرده از قسمت کامپیوتری آگاهی استعمال و مشخص شد وی از سارقان سابقه‌دار است و به این ترتیب دستش و شو شد.»

براساس این گزارش، متهم با مشاهده دلایل و مدارک به سرقت از این خانه اعتراف کرد و گفت: به همراه ۲ دوستم به نام‌های همت و غضنفر با قصد سرقت وارد خانه شدیم و بعد از جا گذاشتن وانت برای ردگم کردن به ژاندارمری اطلاع دادم که اتومبیلیم به سرقت رفته است. در ادامه همدستان این مرد هم دستگیر شدند و با اعتراف به چند فقره سرقت از منازل و مغازه‌ها گفتند که چندی پیش با ورود به کارخانه‌ای در دماوند پس از بستن دست و پای سرابرد و خانواده‌اش کلیه وسایل کارخانه را سرقت کرده‌اند.

دانستنی‌های حقوقی

اجرت‌المثل به چه کسی تعلق می‌گیرد؟



یکی از خواسته‌هایی که معمولاً در دادگاه‌های خانواده مطرح می‌شود، موضوع اجرت‌المثل است. اما اجرت‌المثل چیست و چه زمانی باید به همسر پرداخت شود؟ اینکه برخی مردان، کار بانوان در منزل را وظیفه می‌دانند تا چه اندازه درست است؟ داوود موسی پور، مدرس دانشکده حقوق در این‌باره می‌گوید: «اجرت، به‌معنای پرداخت پول در قبال انجام کار شخص دیگری است. برای مثال اگر فردی برای فرد دیگری کاری انجام دهد و قصد انجام آن کار را به‌صورت رایگان نداشته باشد می‌تواند از او برای کاری که انجام داده اجرت‌المثل دریافت کند.»

او ادامه می‌دهد: اجرت‌المثل از لحاظ حقوقی به‌معنای دریافت پول در قبال انجام کارهای منزل است که گاهی اوقات از آن تحت عنوان «اجرت‌المثل ایام» نیز یاد می‌شود که به‌دلیل گرفتن شرایطی محاسبه و سپس توسط شوهر پرداخت می‌شود.

موسی پور تأکید می‌کند: «پرداخت اجرت‌المثل زن خانه دار فقط زمانی امکان پذیر است که زن قصد انجام کارهای منزل را به‌صورت رایگان نداشته باشد و در صورتی که ثابت شود که زن این قصد تبرع که از آن تحت عنوان یا قصد رایگان نبوده نیز یاد می‌شود، آن کارها را انجام داده و دریافت پولی که زن در قبال کارهای منزل انجام داده، لازم است که زن خانه دار یک‌سری از شرایط را دارا باشد تا بتواند آن را دریافت کند. لازم است زن کارهایی را انجام دهد که شرعاً و قانوناً بر عهده او نیست برای مثال آشپزی کردن، ظرف شستن، غذا پختن و... شرعاً و قانوناً بر عهده زن نیست. باید این کارها به تقاضا و دستور شوهر انجام شده باشد و تا زمانی که شوهر تقاضایی برای انجام این کارها را نداشته باشد نمی‌توان درخواست اجرت‌المثل کرد. اگر زن در هنگام انجام کارهای منزل که شرعاً وظیفه‌ای بر عهده او نبوده، قصد تبرع یا مجانی بودن را نداشته باشد، به این معنا که این حق مالی زن، تنها زمانی به او تعلق می‌گیرد که زن قصد دریافت پول در قبال انجام این‌ وظایف را داشته باشد.»

وی در پایان یادآوری می‌کند: «هنگامی که زن بادرخواست طلاق مواجه شود می‌تواند از دادگاه تقاضای دریافت اجرت‌المثل را نیز داشته باشد که البته همانطور که بیان شد دادگاه مکلف است تکلیف تمامی حقوق مالی زن را مشخص کند اما در موارد غیر از طلاق، زن می‌تواند طی دادخواستی تقاضای دریافت این مقدار از حقوق خود را از دادگاه داشته باشد. تبصره الحاقی ماده ۳۲۶ قانون مدنی و ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده بیانگر موارد ذکر شده است.»

پسری که به‌خاطر درگیری پیش پا افتاده با دوستش مرتکب قتل شده بود بخشیده شد

رفیق گشی به‌خاطر یک انگشتر

می‌داد همخانه مقتول در این جنایت نقش دارد و مدتی بعد وی دستگیر شد.

اعتراف به قتل

پسر جوان به قتل دوستش اعتراف کرد و مدعی شد قصد کشتن او را نداشته است. او درباره آنچه اتفاق افتاده بود گفت: هر دو نفرمان کارگر بودیم. چند سالی می‌شد که با یکدیگر دوست بودیم و در یک خانه اجارهای زندگی می‌کردیم. آنقدر با یکدیگر صمیمی بودیم که خیلی‌ها فکر می‌کردند برادر هستیم. او در ادامه گفت: دوستم یک انگشتر داشت که هیچ وقت آن را از خودش دور نمی‌کرد. نمی‌دانم این انگشتر چقدر می‌ارزید اما برای او خیلی مهم بود. روز حادثه انگشترش را دیدم که روی میز گذاشته بود. من هم از سر کنجکاو آن را برداشتم و دستم کردم. همان موقع او آمد و انگشتر را در دستم دید و خیلی ناراحت شد. هیچ وقت او را تا این اندازه ناراحت و عصبانی ندیده بودم. من هم دیدم اینطور شده، انگشتر را از انگشتم در آوردم و به‌دادم اما او به من برخاش کرد و باهم درگیر شدیم. هیچ‌کس در خانه نبود و حسایی به‌جان یکدیگر افتادیم تا اینکه من دستم به یک چاقو رسید و ناگهان با آن ضربهای به پایش زدم و از خانه بیرون رفتم. من فکر می‌کردم چون ضربه را به پایش زده‌ام خطری تهدیدش نمی‌کند و فقط مجروح شده است اما بعد فهمیدم که او فوت شده و از ترسم فرار کردم. وقتی متوجه شدم دوست صمیمی‌ام با ضربه چاقویی که من به پایش زدم دچار خونریزی شده و حتی خودش را اکشان کشان تا کوجه رسانده تا کمک بگیرد عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد و می‌خواستم خودم را تسلیم کنم که دستگیر شدم.

قتل توسط دوست صمیمی

جوانی که بر اثر اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود، در نزدیکی محلی که پیکرش کشف شده بود زندگی می‌کرد. او ساکن یکی از روستاهای اطراف شهرستان میناب بود که از مدتی قبل برای کار به بندرعباس آمده و با یکی از دوستان نزدیکش زندگی می‌کرد. گروهی از مأموران برای انجام تحقیقات سراغ همخانه‌اش رفتند اما او در آنجا حضور نداشت. آنها در بازرسی خانه مشترک ۳پسر جوان متوجه به هم‌ریختگی آنجا شدند. شواهد موجود در خانه نشان می‌داد که در آنجا درگیری اتفاق افتاده است و رد خون از همانجا تا کوجه امتداد داشت. شواهد به‌دست آمده نشان

جنایی

سال‌ها با یکدیگر رفاقت داشتند و حاضر بودند برای هم جان بدهند؛ اما یک انگشتر باعث اختلاف و درگیری بین آنها و قتل یک چوبه‌دار دیگری شد. این پایان تلخ رفاقت ۲پسر جوان است که جان یکی را گرفت و دیگری را تا یک قدمی چوبه‌دار پیش برد، اما در نهایت پدر مقتول، از خون قاتل پسرش گذشت تا به‌گفته خودش روح پسرش از این گذشت شاد باشد. به گزارش همشهری، یکی از روزهای مرد مردادماه سال ۹۸، هگذری که از یکی از محله‌های بندرعباس می‌گذشت در کوجه وارد خون مواجه شد. او کنجکاو شد و رد خون را دنبال کرد و کمی جلوتر، به شدت دچار خونریزی شدید و روی زمین افتاده بود. او به بیمارستان منتقل شد ولی به دلیل وند شدن خونریزی کمی بعد جانش را از دست داد. پزشکان اعلام کردند که او بر اثر اصابت چاقو به‌سفیدرانش به قتل رسیده است.

۷ قربانی در سقوط مینی‌بوس به دره

سقوط مینی‌بوس حامل گردشگران به دره جان دست‌کم ۷نفر را گرفت و ۱۱ مصدوم برجا گذاشت.

به گزارش همشهری، این حادثه هولناک ساعت ۶:۲۴ صبح دیروز (جمعه) در شهرستان ورزقان واقع در استان آذربایجان شرقی اتفاق افتاد.

ماجرا از این قرار بود که اعضای یک گروه گردشگری به نام عینالی سسوار بر این مینی‌بوس در راه رفتن به یکی از تفرجگاه‌ها بودند که بنابر دلایل نامعلومی خودروی آنها از مسیر اصلی منحرف شده و به دره سقوط کرد.

به‌دنبال وقوع این حادثه گروه‌های امدادی در کمترین زمان ممکن خود را به محل حادثه رساندند؛ اما در این حادثه ۷نفر از سرزنیستان

مینی‌بوس جان خود را از دست داده و سایر سرزنیستان نیز به‌شدت مصدوم شده بودند.

وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی در این‌باره گفت: واژگونی مینی‌بوس به دره مقابل دانشگاه آزاد ورزقان اتفاق افتاد و به‌دنبال آن اورژانس هوایی و ۶دستگاه آمبولانس اورژانس به محل حادثه اعزام شد. در این حادثه ۷نفر جان خود را از دست دادند و ۱۱ نفر نیز مصدوم شدند.

او درباره وضعیت مصدومان گفت: ۲ مصدوم توسط بالگرد اورژانس هوایی و ۳ مصدوم دیگر بسا امداد هوایی هلال احمر و همچنین مصدوم دیگر به‌صورت زمینی به بیمارستان امام رضاع تبریز منتقل شدند که وضعیت ۷نفر از آنها وخیم گزارش شده است.

